

باختر امروز

((جریده باختر امروز))

نشره

منظمات الجبهة الوطنية الایرانية
في الشرق الاوسط

العدد الخامس عشر السنة الاولى

المرحلة الرابعة

آب ۱۹۷۱

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمان های جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

شرکت سلاطین و سران حکومت ها در « جشن سلاطین » نمودار گویائی از اتحاد انحصاری عناصر مرتجع جهان بخاطر کسب اعتبار برای دست نشانده جنایتکار خود ، شاه ایران است . خلق ایران خوشرقصی های کسانى را که در این ضیافت شرکت می کنند بدقت نظاره می کند و جوابی شایسته برایشان آماده دارد .

مرداد ماه ۱۳۵۰

دوره چهارم

شماره ۱۵ سال اول

درباره روابط خارجی چین

اقدامات اخیر چین در صحنه بین المللی عکس العملها و تفسیرات مختلفی به همراه داشته است . اهمیت این رویدادها را در مبارزات مردم جهان باید دقیقاً و بنحو منطقی مورد بررسی قرار داد .



فدائیان فلسطین
و
ارتجاع عرب

رویدادهای اخیرى که در زمینه بسط مناسبات دیپلماتیک بین جمهوری توده‌ای چین و پاره‌ای از کشورهای سرمایه‌داری جهان خصوصاً در چند ماهه اخیر بوقوع پیوسته انعکاس های بسیار مختلفی داشته است . طیف این انعکاسات بوسعت جهان بینی افشار و طبقات مختلفی است که در این رویدادها بنحوی از انحاء ذینفعد و تردیدی نیست که اهمیت این وقایع چنان است که هیچ گروهی نمیتواند خود را از تأثیرات آن برکنار بیندازد و بهمین دلیل کمتر فرد ایرانی را میتوان دید که در این مورد موضع نگرفته باشد . این موضع ها از موضع عناصری ضد کمونیست که بخيال خود دلیلی بر نفی کمونیسم بدست آورده‌اند و لبخند بلب دارند تا موضع عده‌ای که مبانی افکار خود را بر جزم های خود ساخته گذاشته بودند و اکنون یا دچار یاس مفراط شده و یا هنوز متعصبانه نقش توجیه گر را بازی میکنند متفاوت است . برای موضع گیری صحیح باید بطریق علمی بوقایع برخورد کرد ، نه گذشته را از یاد برد و نه آینده را از نظر دور داشت . همه جنبه‌ها و جهات را در نظر گرفت و خالی از تعصبات کوتاه نظرانه تحلیل صحیح را ارائه داد و شانه از زیر بار مسئولیت خالی نکرد . برای چنین تحلیلی چند حکم مسلم را باید در نظر گرفت :

● کشورهای امپریالیستی در این جریان سعی خواهند کرد با عمده جلوه دادن دلایل غیر واقع یسا غیر عمده وجهه خود را حفظ کنند ، صلح خواهی ، بشر دوستی ، واقع بینی ، کمک به قطع جنگ ویتنام ، محترم شمردن حقوق ۷۰۰ میلیون چینی ، بازار بزرگ و غیره همه در این مقوله‌اند .

● اقدامات حکومتی وابسته مانند ایران را باید درست اشاره ازباف دانست . تصور اینکه رژیم ایران بدون اجازه و صلاحدید امریکا کوچکترین اقدامی در این زمینه کرده باشد از اساس خطاست . خطائی که به اشتباهات عظیمی در گذشته منجر شده و ادامه آن در آینده نیز صدمات فراوانی ببار خواهد آورد .

● اگر ازدیاد فشار به نیروهای مترقی در یک نقطه از جهان باعث تقویت بیشتر اردوگاه سوسیالیسم در سطح جهانی شود باید این امر مورد تأیید باشد و بعبارت دیگر منافعی را که شامل حال توده‌های بیشمارى در سطح جهانی میشود باید مقدم بر منافعی شمرد که شامل حال عده قلیل‌تری در یک نقطه از جهان میشود .

● با توجه به احکام بالا است که رویدادهای اخیر را مورد توجه قرار میدهم و ایرادات خود را نسبت به متد یا محتوی پاره‌ای از آنها ابراز میدارم . در مورد برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و چین گرچه آنرا بصورت یک اصل کلی می‌پذیریم ولی زمان تدارک این روابط و نحوه آن را تأیید نمیکنیم . کشور ما در مرحله بحرانی خاصی قرار دارد . نیروهای مترقی در حال تشدید مبارزه با حکومت شاه هستند .

بقیه در صفحه ۴

● رویدادهای اخیر ، اعم از اینکه موافق یا مخالف آنها باشیم ، را نباید بصورت مجزا و در حالت انتزاعی در نظر گرفت .

● سیاست خارجی و ماهیت هیچ يك از حکومت های ذینفعد در اساس تغییری نکرده است . نه ماهیت جمهوری توده‌ای چین و نه ماهیت حکومت امپریالیستی امریکا و اقدامات . رویدادهای اخیر دنباله طبیعی و منطقی سیاستی است که هر يك از دو بلوک بر مبنای شرایط تاریخی جامعه خود و جهان بینی خود داشته‌اند .

● سیاست خارجی هر کشور دنباله و بازتاب شرایط داخلی آن کشور است و جدا کردن آنها از هم علمی نیست .

● امریکا ، جمهوری است که در راس اردوگاه امپریالیسم قرار دارد . تمام اقدامات این دولت را باید از این زاویه دید . هر اقدام آزادی این امپریالیسم بر مبنای محاسبه و بمنظور استثمار بیشتر مردم جهان است .

● معیناً این دولت تحت تأثیر فشار و اعمال قدرت نیروهای مترقی جهان مجبور بقبح نشینی هائی میشود اگر امپریالیسم قدرت انرا میداشت نه تنها حاضر نبود با چین روابط دیپلماتیک بر قرار کند بلکه حاضر بود با بخاک کشیدن تیمی از جهان ، جمهوری توده‌ای چین را نابود کند . بر قراری روابط نشانه قدرت افکار نابذر چین و خلق‌های جهان است .

● چین جمهوری توده‌ای کبیر و مترقی و عظیم ترین اردوگاه نیروهای مترقی جهان است . بیش از ۲۱ سال از عمر این جمهوری نمیگذرد و هنوز مسائل بسیاری در جامعه چین وجود دارد که حل آنها محتاج بزمان بیشتری است . مسائل داخلی جامعه ۷۰۰ میلیونی که تا ۲۱ سال پیش تحت ارجحی ترین نوع حکومت ها قرار داشت و کارشکنی های بعدی امپریالیسم در راه پیشرفت اقتصادی این جامعه و منفرد کردن آن

یکبار دیگر ملک حسین جنایتکار بدستور اربابان امپریالیست و صهیونیست خود مواضع فدائیان قهرمان فلسطین را بزیر آتش گرفت ، و دست خود را بخون این فرزندان دلاور خلق فلسطین آغشته ساخت .

از اوایل ماه ژوئیه ارتش ضد خلقی حسین به حملات خود به مواضع چریکها شدت داد . از ۱۳ ژوئیه این برخورد ها به جنگی همه جانبه بین فدائیان قهرمان ارتش ضد خلقی اردن بدل گشت این توطئه اخیر تنها قسمتی از یک برنامه طولانی و سیستماتیکی است که حسین در طول ۶ سال حیات مبارزات فدائیان ، و خصوصاً پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ ، اقدام به اجرای آن نموده است .

اگر چه امپریالیسم و صهیونیسم توانسته اند از طریق دست نشانده شان حسین ، بویژه در یکسال و نیم گذشته ، صدمات بسیاری به نیروهای فدائیان وارد سازند ، لکن فدائیان از تمام این دشواریها تجربه اندوخته و با هر تجربه راه خود را صحیحتر و بیش خود را عمیقتر نموده اند . اگر زمانی تضاد با ملک

بقیه در صفحه ۲

اخبار

● عملیات چریکی در تخت جمشید
۴ نفر از گروهی از مبارزین که در محوطه برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله (تخت جمشید) مشغول مین گذاری بودند از طرف نیروهای امنیتی اسرائیل و ایران دستگیر شدند . خوشبختانه بقیه افراد گروه توانستند خود را نجات دهند و برای عملیات بعدی مشغول تدارک شوند .

● شکنجه
در جریان تظاهرات ضد اسرائیلی و ضد امریکائی سال گذشته عده‌ای دستگیر شدند که خبر آن بطور مختصر در مطبوعات خارج از کشور آمد . از این عده آقایان لشکری ، کربوی ، لاجوردی ، محسن رشیدی ، محمد رضا میرهاشمی علیمحمد اشرف خراسانی تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند . اخیراً علیمحمد اشرف خراسانی را که در اثر شکنجه بحال مرگ افتشاده بعلت احتمال مرگ آزاد کرده‌اند . حال ایشان بسیار وخیم است .

● آتش سوزی
بواسطه نزدیکی بحمل برگزاری جشن سلاطین مردم شیراز مبارزه خویش را شدت داده اند در چند هفته اخیر منزل ۲۴ نفر از اخوند های درباری را مردم باتش کشیده و ابراهیم دستغیب ملا نمای مرتجع را بشدت مضروب کرده اند . همچنین با ایجاد اتصالی‌های مکرر در برق چراغانی خیابانها ، آتش سوزیهای وسیعی براه انداخته اند .

بقیه در صفحه ۴

● چین جمهوری توده‌ای کبیر و مترقی و عظیم ترین اردوگاه نیروهای مترقی جهان است . بیش از ۲۱ سال از عمر این جمهوری نمیگذرد و هنوز مسائل بسیاری در جامعه چین وجود دارد که حل آنها محتاج بزمان بیشتری است . مسائل داخلی جامعه ۷۰۰ میلیونی که تا ۲۱ سال پیش تحت ارجحی ترین نوع حکومت ها قرار داشت و کارشکنی های بعدی امپریالیسم در راه پیشرفت اقتصادی این جامعه و منفرد کردن آن

● امریکا ، جمهوری است که در راس اردوگاه امپریالیسم قرار دارد . تمام اقدامات این دولت را باید از این زاویه دید . هر اقدام آزادی این امپریالیسم بر مبنای محاسبه و بمنظور استثمار بیشتر مردم جهان است . معیناً این دولت تحت تأثیر فشار و اعمال قدرت نیروهای مترقی جهان مجبور بقبح نشینی هائی میشود اگر امپریالیسم قدرت انرا میداشت نه تنها حاضر نبود با چین روابط دیپلماتیک بر قرار کند بلکه حاضر بود با بخاک کشیدن تیمی از جهان ، جمهوری توده‌ای چین را نابود کند . بر قراری روابط نشانه قدرت افکار نابذر چین و خلق‌های جهان است .

امپریالیسم را که خردشده است...

جنبش آزاد بیخس فلسطین

حسین بعنوان تضاد ثانوی (پس از تضاد با اسرائیل) شناخته شده بود، پس از توطئه های سپتامبر، ژانویه و آنگاه مارس دیگر مبارزه برای براندازی حکومت دست نشانده حسین در صدر برنامه فدائیان قرار گرفت.

علیرغم تمام تزیینات و فشارهای حکومت حسین، فدائیان مبارزات پیگیر خود ادامه دادند و ثابت کردند که مصمم اند تا آخرین قطره خورشان در راه رهائی فلسطین و نابودی ارتجاع مبارزه کنند.

همانگونه که گفته شد حملات اخیر حسین به مواضع چریکها تنها قسمتی از برنامه وسیع امپریالیستیها و صهیونیستها علیه فدائیان بوده است. در این مقاله سعی خواهد شد بطور اختصار خطوط کلی این برنامه امپریالیستی صهیونیستی شکافته شده، اقدامات و دسیسه های مشخص ارتجاع شمرده شود.

و از آنرو که رویه دول عربی نسبت به مسئله فلسطین، خصوصا در کشورهای همجوار، یا در رشد جنبش فلسطین و یا در تقویت دسیسه های امپریالیستی - صهیونیستی تأثیر خواهد داشت این نوشته را با مقدمه ای از روابط فدائیان با دول کشورهای همجوار فلسطین آغاز میکنیم.

فدائیان و دولتهای عربی

جنبش فدائیان دلاور فلسطین یگانه جنبش واقعیست در سراسر جهان عرب که تا کنون علیه صهیونیستها و در دفاع از توده های خلق فلسطین پدیده آمده است.

نزدیک به ربع قرن از تاسیس حکومت صهیونیستها در فلسطین میگذرد، و در تمام این مدت چه سنگها که برای آزادی فلسطین بسینه زده نشدند. از ارتجاعی ترین شیخها و حکام و سلاطین عرب تا حکومتهای مترقی و نیمه مترقی همه ادعای علم داری مبارزه برای آزادی فلسطین را داشته اند. در اکثر موارد شعار «مبارزه علیه صهیونیستهای اشغالگر» بصورت همراه کننده برین و عوامفریبانه ترین شعار برای تحمیل و فریفتن توده ها بکار میرفت. با چنین ادعائی مرتجعترین سلاطین میتوانستند ولو برای مدت کوتاهی افکار مردم تحت ستم خویش را از شرایط داخلی اجتماع خود دور بدارند، و احساسات مبارزه جوانان آنها را از مبارزه علیه حکومت خویش منحرف سازند.

طبیعی است که حکومتهای مترقی تر به نسبت مترقی بودنشان نسبت به ادعای خود صادقتر بودند. ولی با سوق این حکومتها بطرف ارتجاع از این درجه صداقت نیز کاسته میشد و جنبه عوامفریبی غلبه میکرد.

پس از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ و رشد روز افزون فدائیان، مسئله دفاع از فلسطین، خصوصا برای ممالک همجوار فلسطین قدری بغرنجتر گردید. اگر تا قبل از جنگ ۶۷ آزاد ساختن فلسطین از وظایف و حقوق حکومتها بود و توده ها تنها میتوانستند تأیید کنندگان حکومتها باشند، پس از شکست دول عربی و با رستخیز و پیروزیهای درخشان فدائیان دیگر این خود مردم عرب و در پیشاپیش آنها خلق فلسطین بودند که مسئولیت مبارزه برای آزادی فلسطین را بعهده گرفته بودند. از آن پس تأیید آزادی فلسطین برابر بود با تأیید فدائیان - زیرا فدائیان بوضوح برتری و حقانیت راهشان را به توده های مردم عرب نشان داده بودند. از آن پس دیگر «آزادی فلسطین» نمیتوانست شماری عوامفریبانه و در اختیار و انحصار حکومتها باشد. از اینرو برخورد حکومتهای عرب با فدائیان بسیار محتاطانه و بطور تاکتیکی صورت گرفت.

در اینجا بطور خاص نقش چهار حکومت همجوار فلسطین قابل بررسی است. اگر برای حکومتهای دیگر مسئله فدائیان هنوز نمیتوانست بصورت مسئله ای در حد شعار باقی بماند، برای لبنان، سوریه، اردن و مصر که عرصه مبارزه با اسرائیل بودند مسئله بطور حیاتی بود. در این ممالک مبارزات روزانه فدائیان توانسته بود با توده های مردم عرب پیوند یابد و هر روزه نیروهای بیشتری را بمبارزه بکشاند. از اینرو سیاست عمومی این حکومتها سیاست محدود کردن و به کنترل در آوردن فدائیان بود.

این سیاست از جانب مصر و سوریه تا کنون بدون برخورد نظامی صورت گرفته است. در مصر فدائیان از ابتدا تحت کنترل حکومت و پلیس بوده اند، و باکشیده شدن حکومت مصر به مواضع غیر انقلابی و بعد ضد انقلابی، بر فشار و کنترل فدائیان افزوده شد.

کار بجائی رسید که عمده ای از فدائیان بازداشت شدند و رادیوی «صوت المعاصنه» تعطیل شد.

در سوریه هم رویه ای شبیه به مصر اتخاذ گردید. با این تفاوت که در اینجا تغییر حکومت بود که سبب تغییر مواضع شد. حکومت نوریالدین اتاسی با وجود کمکهای فراوانش به جنبش فلسطین، نیروهای فدائی را تحت نظارت و کنترل داشت. لکن این کنترل در زمان حکومت حافظ اسد، و همزمان با بوج قدرت ضد انقلاب تحت رهبری انور السادات و هیگل، بصورت ابزار سرکوب در آمد. استفاده چریکها از ارتفاعات جولان برای نبرد با دشمن صهیونیست از طرف حافظ اسد ممنوع شد. فدائیان تحت فشار قرار گرفته تعدادی از ایشان دستگیر شدند و پایگاههایشان مورد تعرض حکومت قرار گرفت.

لیکن روابط فدائیان با لبنان و اردن صورتی دیگر داشت. در اینجا فدائیان علیرغم مخالفت این حکومتها به کار مشغول شدند، و چون آنها را از ابتدا ارتجاعی میدانستند از هرگونه نفوذ و کنترل آنها جلوگیری کردند، و خود در کنار این حکومتها بصورت قدرتی مردمی در آمدند.

بموازات بسط نفوذ فدائیان در میان مردم، حکومتهای ارتجاعی لبنان و اردن دست بکار دسیسه مشترک علیه فدائیان گشتند. در تابستان ۱۹۶۹ بمناسبت ضعف حسین و قدرت فدائیان در اردن دسیسه ابتدا در لبنان و با کمک ارتجاعی ترین حزب لبنان و پایگاه اصلی ارتجاع در آن کشور یعنی حزب «کتاب» آغاز شد. در این دسیسه، که سیاست عدم دخالت نیروهای نظامی لبنان قسمتی از آن بود، افراد مسلح حزب کتاب حمله وسیعی را به فدائیان آغاز کردند، و فدائیان را از مواضعی که در شهر و جاده های اطراف شهر قبلا آماده ساخته بودند و با نظارت ارتش، بزرگ آتش گرفته و تعداد زیادی از آنان را بشهادت رساندند. تنها عکس العمل قاطعانه فدائیان و نیز فشار افکار عمومی توده های مترقی لبنان بود که انجام این دسیسه را موقتا متوقف ساخت.

بعد از لبنان نوبت اردن بود که با کمک ارتجاع بین المللی و ارتجاع منطقه بزرگترین حملات را در ماه سپتامبر گذشته نه تنها به فدائیان بلکه به کلیه اردوگاههای پناهندگان فلسطینی، صرف نظر از اهمیت استراتژیک نظامی آنان، وارد آورد - حملاتی که تا این تاریخ نیز با شدت تمام ادامه دارد.

در اینجا و پیش از آغاز بر رسی روابط اردن و فدائیان مبیایست این نکته یاد آوری و تأکید شود که همانگونه که سختگویان فدائیان کرازا اعلام داشته اند اکنون مجددا حکومت ارتجاعی لبنان خود را برای یک توطئه وسیع جدید علیه فدائیان آماده میکند.

فدائیان فلسطین و حکومت دست نشانده ملك حسین از ابتدای مبارزات فدائیان فلسطین حکومت ارتجاعی حسین بیش از هر نیروی ارتجاعی دیگر در خاور میانه مورد تهدید جنبش آزادبیخس فلسطین قرار داشته است، زیرا از طرفی دو ثلث از ساکنین اردن را فلسطینیان تشکیل میدهند، و بیداری و به مبارزه کشیده شدن این توده عظیم و نیز دیگر مردم اردن، خود برآبر است با درخش کن شدن ارتجاع در اردن. از طرف دیگر بنا بر خصائص نظامی ترواحی مرزی اردن بیش از هر مرز دیگر برای عملیات چریکی مورد استفاده فدائیان قرار میگیرد، و کار حسین را برای «محافظت» مرز و خوشنود نگهداشتن اربابان صهیونیست خود دشوارتر میکند. و از اینرو است که از ابتدای مبارزات فدائیان ملك حسین از دست زدن به هیچ جنایت و توطئه چینی برای سرکوبی این دلاوران قهرمان فروگذار نمکند. تا آنجا که با جنایات یکساله اخیرش روی جنایتکاران صهیونیست «دیر یاسین» را سفید مینماید. در این نوشته نکات عمده ای از دسیسه ها و جنایاتی را که در طول مبارزات فدائیان و خصوصا بعد از ژوئن ۱۹۶۷ از طرف حسین برنامه چینی و اجراء شده است باختصار ذکر میکنیم.

در طول سه ساله اول شروع مبارزات رها بیخس فلسطین فدائیان مورد فشار روز افزون ارتش ارتجاعی حسین قرار داشتند، و تا قبل از ژوئن ۶۷ حدود ۲۰۰۰ فدائی در زندانهای حسین اسیر بودند.

پس از عقب نشینی تقریبا بدون مقاصد ارتش حسین در جنگ ۶۷ بواسطه فشار افکار عمومی مردم عرب

و بطور خاص مردم اردن حسین مجبور شد بطور موقت از فشار بر چریکهای فدائی بکاهد، و در ظاهر حتی از آنها بعنوان «هموزم!!» یاد کند. ولی در همین حال نیز لحظه ای از توطئه چینی فروگذار نمیکند. توطئه حسین علیه فدائیان در دو مرحله اجرا میگردد:

۱ - مرحله اول تا سپتامبر ۱۹۷۰ - عملیات و حملات این دوره بطور خاص منظور جمع آوری اطلاعات در مورد مخفی گاهها، انبارهای اسلحه، افراد و نیروهای طرفدار فدائیان در حکومت و ارتش حسین، و غیره صورت میگردد.

۲ - مرحله دوم بعد از سپتامبر ۱۹۷۰ و برای سرکوبی و از میان بردن فدائیان است.

در اوائل مارس ۱۹۶۸، یعنی حدود دو هفته قبل از نبرد دلاورانه «الکرامه»، حسین قشون ارتجاعی خود را برای سرکوب نیروهای فدائی به محل الکرامه فرستاد. لکن فدائیان بکمک توده های مردم الکرامه بر لشکر ارتجاعی پیروز شدند. این نقشه توطئه گرانه هنگام با شکست مقضضحانه تر بر ورو شد که دو هفته بعد در نبرد الکرامه سربازان اردن با وجود اینکه دستور داشتند از مقابله با متجاوزین اسرائیلی خود داری کنند، با مشاهده دلاوریها و از خود گذشتگیهای بی مانند فدائیان فلسطین، از دستور فرماندهان خود سرباز زده و خوا را در اختیار فدائیان قرار دادند.

در نوامبر ۱۹۶۸ حسین دست بکار حمله دیگری زد، و آن عبارت بود از برپا کردن سازمانهای قلابی بنام فدائیان - از قبیل «الفتح الاسلام»، «المبارک العربی»، «کتاب النصر» - که گردانندگان آنها مرتجعینی چون شریف ناصر (عموی حسین) و طاهر دبلان بودند. افراد زر خرید این سازمانهای قلابی با دهات حمله میکردند و با غارت کردن و آسیب رساندن به مردم سعی مینمودند فدائیان را نزد مردم بد نام سازند.

و آنگاه مقدمه چینی برای حملات سپتامبر شدن یافت.

روز دهم فوریه ۱۹۷۰ نیروهای فدائیان در نقاط مختلف اردن مورد حمله ارتش حسین قرار گرفتند. لیکن در اثر مقابله شدید فدائیان ارتش مجبور به عقب نشینی شد.

۶ ژوئن حمله نظامی وسیع حسین با عکس العمل شدید فدائیان روبرو گردید. قسمتهای بزرگی از شهر عمان بتصرف فدائیان در آمد. حسین که در این زمان میدانست بدلائل مختلف منجمله وجود تعداد زیادی از هواداران فلسطین در ارتش و حکومت خویش قادر نخواهد بود به جنگ ادامه دهد با فدائیان صاچ نمود.

در طول تابستان ۱۹۷۰ نیروهای فدائیان مورد حملات مکرر ارتش حسین قرار گرفتند. هر زد و خوردی با صلحی ظاهری ختم میشد. در این مدن حسین توانسته بود با تطبیع و خریدن روسای قبایل بدوی ساکن اردن افراد آنها را برای جنگ با فدائیان بسیج کند - و این نیرو قسمت بزرگی از ارتش ارتجاع را تشکیل میداد.

در اواخر تابستان، و با پذیرفته شدن طرح ارتجاعی راجرز از طرف ناصر، حملات ارتش حسین با مواضع فدائیان شدت یافت، و از اواسط ماه اون بلا یقظع ادامه پیدا کرد تا جنگ سپتامبر. در اوایل سپتامبر حکومت نظامی اعلام شد. تمام افرادی که حسین بعنوان طرفدار فلسطین در ارتش و حکومت خود شناخته بود بیکباره از کار برکنار شدند.

۱۷ سپتامبر جنگ سراسر اردن را فرا گرفت. خلق و ارتجاع رو در رو و با تمام نیرو در برابر یکدیگر قرار گرفتند. توصیف و بررسی جنگ ده روزه سپتامبر احتیاج به نوشته ای جداگانه و مفصل دارد. دم روز تمام خلق فلسطین با دلاوری بیمانندی به نبرد با دشمن برخاست. در اردوگاههای پناهندگان، در شهرها، دهات، کوهستانها و صحراها - همه خون بود و آتش. در روز دهم جنگ تنها در فاصله رمنا و جرش ۸۶ تانک انگلیسی متعلق به ارتش حسین توسط اسلحه چریکهای فدائی از کار ساقط شده بود. اکثر شهرها، خصوصا عمان، زرقا و جرش (بجز نواحی اعیان نشین عمان) تبدیل به مخروبه شده بود. بیمارستانها و مدارس مجهزی که فدائیان تاسیس کرد بودند و در تمام اردن بیمانند بودند عملا با خاک یکسان شده بودند.

پیروز باد خلق فلسطین پیشقراول انقلاب مردم خاور میانه

ب

در جنگ ده روزه اگر چه چریکها با ارتش و نیروهای دولتی در جنگ بودند ، ولی هدف اصلی ارتجاع اردوگاههای پناهندگان فلسطینی یعنی پایگاه اصلی فدائیان بود - و علت اصلی پذیرفتن صلح از طرف فدائیان این بود که در مخیم (اردوی پناهندگان) وحدت و مخیم اشرافیه حدود ۱۰ در صد از کلیه ها با خاک یکسان ، ۵۰ در صد ویران و غیر مسکونی ، و مابقی بدون استثناء آسیب فراوان دیده بودند .

بنا بر معاهده قاهره قرار شد فدائیان از شهر های سالت ، زرقا و عمان خارج شوند ، لکن نواحی شمال ، منجمله شهرهای جرش و اردب ، اناتسنگاه چریکها باقی ماند . امتیازات زیادی که بر خلاف قوانین اردن در معاهده قاهره از طرف حسین به چریکها داده شد نشانه قدرت فدائیان پس از پایان جنگ ده روزه بود .

پس از جنگ ده روزه حسین خود را برای وارد آوردن ضربه های شدید تر و برای نابودی فدائیان آماده نمود .

روز ۷ ژانویه مواضع فدائیان در جرش و اردب مورد حمله قشون حسین واقع شدند . از آن پس فدائیان این شهر ها را تخلیه کرده در کوهها و بیشه های اطراف جرش و عجلون و حدود مرزی مانند الکرامه مستقر گردیدند و استحكامات و پایگاه و مرخصخانه بنا کردند .

از آن پس حسین مجدداً دسیسه ها و جنایات خود را علیه مبارزین فلسطینی شدت داد ، و در همین زمان ۳۰۰۰ نفر از افراد هوادار فلسطین را از کارهای حوست اردن برکنار کرد .

در ماه ژانویه و فوریه برای ایجاد تفرقه بین مردم تظاهرات قلابی علیه فدائیان و یاسر عرفات در شهر های سلت و مفرق براه انداخت ، و کمکهای خود را به احزاب ارتجاعی و ضد فلسطینی اخوان مسلمین و تحریر اسلامی افزایش داد .

در ماه مارس مخیم غزه در نزدیکی جرش و مخیم شنلر نزدیک زرقا مورد حمله ارتش اردن قرار گرفتند .

پس از ماه مارس حسین در صدد حمله به پایگاههای کوهستانی چریکها برآمد . باین منظور راه رمتا - جرش را که برای آوردن آذوقه و مهمات توسط فدائیان استفاده میشد مسدود نمود و بین سه تا چهار هزار سرباز در حوالی جرش ، و تعداد زیادی در عجلون و کرامه متمرکز نمود ، و تظییقاتی در راه عبور ماشینها و وسایل هلال سرخ فلسطین ایجاد نمود .

در ماه ژوئیه ۳۰ هزار قشون حسین پایگاههای فدائیان را در کوهستانهای اطراف جرش و عجلون در محاصره گرفتند ، و هر روز پایگاههای چریکها توسط ارتش حسین بمباران میشد . اگر چه این حملات بدنابل میانجیگری مصر و عربستان سعودی برای چند روزی قدری تخفیف یافت لکن پس از کودتای مراکش و معطوف شدن توجه جهانیان به جنایات سلطان حسن ، در روز ۱۳ ژوئیه حسین دست به حمله وسیع دیگری به مواضع فدائیان زد .

از روز ۱۳ ژوئیه بمباران دائمی مواضع کوهستانی چریکها آغاز شد . ابتدا مواضع فدائیان در سوف ، ساکت ، برما ، و سمیه بزیر آتش بمبهای آتشزنا و موشکهای حسین قرار گرفتند . پس از حدود چهار روز مقاومت مواضع مذکور و سپس مرکز فرماندهی دبست نیروهای دشمن افتاد . تعداد چریکهاییکه در نواحی کوهستانی جرش و عجلون موضع داشتند حدود سه هزار نفر بود . این ناحیه برای این تعداد چریک بسیار کوچک بود و این امر خود سبب شد چریک نتوانند بجز از قسمت ناچیزی از نیروی خود استفاده نمایند .

حدود هزار نفر از چریکها توانستند از محاصره خارج شوند و بطرف کرامه و نیز نواحی شمال اردن بروند . بقیه چریکها بدنابل میانجیگری یک هیئت نمایندگی عربی پذیرفتند نواحی کوهستانی مذکور را ترک کنند و به کرامه و نواحی مرزی اسرائیل در اردن و نیز به سوریه بروند . ولی در اینجا حسین آخرین حله خود را بکار بست و ۱۵۰۰ نفر از چریکها را که طبق قرار قبلی میبایدند تا به همراهی هیئت میانجی به نقاط مورد توافق بروند محاصره و دستگیر نمود . در یک مورد هم ارتش حسین بنام هیئت میانجی در بلند

کو از گروهی از فدائیان خواست تا تیراندازی نکنند و برای انجام مذکرات به آنان نزدیک شوند . آنگاه همه را بزیر آتش گرفت ، و در این واقعه ۱۷ فدائی بشهادت رسیدند .

در این جنگ وحشیگری ارتش حسین دست کمی از وحشیگری اش در جنگ سپتامبر نداشت . در اینجا اکثر زخمی ها را با تفنگ ، کارد و یا تیر میکشند . جمعا بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر در این جنگ کشته و زخمی (و اکثریت آنها بعدا کشته) شدند . نمونه ای از وحشیگریهای ارتش حسین ماجرای قتل دکتر معجوب است . دکتر وائل معجوب ، مبارز قهرمانی که از سال ۱۹۵۴ در نبرد آزادیبخش الجزیره ، و سپس در جنگهای آزادیبخش کنکو و وینتام شرکت کرده بود و آنگاه از سال ۱۹۶۸ به جنبش آزادیبخش فلسطین پیوسته بود ، در این جنگ زخمی شد ، و سربازان حسین سرش را با چاقو از بدن جدا کردند .

اکنون کرامه و چند پایگاه دیگر در دست فدائیان است . همچنین حدود هزار فدائی که صف محاصره ارتش را شکافته و خارج شده بودند در نواحی شمال غربی اردن در گروه های کوچک در جنگ با قشون حسین میباشند . احتمال زیاد می رود که انقلابی بزرگ ابو علی ایباد که قبلا اعلام شده بود که به شهادت



رسیده است ، زنده بوده در میان این گروه مشغول مبارزه باشد .

چنانکه در این بررسی کوتاه و فهرست وار دیدیم انقلاب فلسطین از اولین روز حیات خود مدام مورد تعرض دشمنی امپریالیستها ، صهیونیستها و مرتجعین محلی بوده است . و این صف ضد انقلاب تا آنجا که توانسته اند کوشیده تا از رشد یابی و اوجگیری مبارزه این خلق جلوگیری کنند .

انقلاب فلسطین بواقع قانون انقلابهای منطقه خاورمیانه است و این را ضد انقلاب دریافته است و میدانند که گسترش یافتن این آتش یعنی بازش کشیده شدن منابع اوست در سرتاسر منطقه و از این زوست که با تمام نیرو میکوشند از رشد یابی آن جلوگیری کنند . در این رهگذر چنان که دیدیم دست به جنایاتی هولناک میزند ، فدائی کشی همیشه درصنر برنامه آنان بوده و بارتیزانهای قهرمان مدام مورد تعرض و کشتارهای جمعی آنان قرار گرفته اند ، لیکن فدائی فلسطینی هر بار چون سمندر باز از خاکستر خود سر برداشته ، و این بار آبدیده تر ، هوشیارتر و مصمم تر . و این ویژگی انقلاب است که هرچه از دشمن ضربه میخورند مستحکمتر میگردد و هرچه شکست میخورند به پیروزی نزدیکتر میشود . این يك قانونمدی انقلاب است .

همیشه و در هر جا درابتداء کار انقلابیون ضعیفند و از لحاظ امکانات فقیر ، سپس اندک اندک قوی تر میشوند ، و این مسیر نیرومندتر گشتن را علیرغم همه تلاشمهای دشمنان انقلاب مدام می پیمایند تا آنجا که نیروی کاملا برتر میگردند و قدرتمندترین دشمن خوش را نیز بزبان در می آورند . این حقیقت را در همه کشورهایی که راه انقلاب را طی کرده اند میشود دید . نیروهای انقلابی چون همراه تاریخ سیر میکنند وضورت پیشرفت و راه آنها تشخیص میدهد حکم تاریخ نیز رشد یابندهاوند و مرتجعین چون قدرت درک این را ندارند باقی می ماند و آخر در زیر چرخهای تاریخ نابود میشوند . و این را بادیدی دراز مدت میتوان دید . ماطی این بررسی کوتاه دیدیم که بکرات فدائیان شکست خوردند ، واکترا دسیسه های مرتجعین در مورد آنان شکست خوردند ، واکترا دسیسه کوتاه زمانی دیدیم که چگونه ارتجاع ضرباتی بر پیکر انقلاب وارد آورد ، لیکن وقتی بایک نظر کلی تر و از وراى این جریانات بزندگی انقلاب فلسطین نگاه کنیم ، می بینیم در ژوئن ۱۹۶۷ گروهی اندک با سلاحهای باقی مانده در میدان جنگ مسلح شدند و جنبش مقاومت را آغاز کردند . آن گروه اندک که در آن زمان از نظر مرتجعین هیچ بحساب نمی آمد ، و برآستی هم بسیار ضعیف بود ، طی مدت همین چهار سال بانچنان قدرتی رسیده که امروز می بینیم کشتی نفت ایران با اسرائیل را در دهانه باب المنب باتش میکشند در سخت ترین شرایط خفقان رژیم ملک حسین یعنی ۷ ژوئن ، بقلب سرزمین اشغالی و قدیمی ترین پایگاه «ن» «بتاح تکفا» را مورد حمله موشکی قرار میدهند ، موسسات جاسوسی صهیونیستها را در تل آویو به موشک می بندد ، و در منطقه در برابر امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع تنها قدرت در خور توجه میشود ، قدرتی که امپریالیسم و صهیونیسم مجبورند برای متوقف ساختن کارش از ملک حسین ها کمک بگیرند . انقلاب فلسطین طی این مدت کوتاه رشد عظیمی یافته است . و این مسیر را قهرمانانه خواهد پیمود . انقلاب فلسطین علیرغم همه توطئه گریها و دسیسه بازیهای دشمنان انقلاب هر دم و هر لحظه بیشتر رشد می یابد و نیرومندتر میشود ، این را در گذشته این جنبش مقدس دیده ایم و درآینده اش نیز خواهیم دید . انقلاب فلسطین همانند وینتام قهرمان ، منطقه خاورمیانه را به هندوچین دیگری تبدیل خواهد کرد و امپریالیسم و ارتجاع از این منطقه جز آنچه در هندوچین دیدند نخواهند دید .

فلسطین جنگجو بشارتکوی آغاز انقلابهای منطقه و نمربخی آنهاست .
پیروز باد انقلاب فلسطین .
درد به فدائیان مبارز پیشگامان راه انقلاب .
افتخار بر شهیدان راه رهائی خلق فلسطین .

تلگرافات اعتراض

تلگرافاتی از طرف آساتید و محصلین حوزه های علمی در مخالفت با برقراری جشن سلاطین بایران مخابره شده است . رونوشت تلگرافات زیر بدست ما رسیده است .
آساتید و محصلین بلخی افغانستان ، نجف آبادی ، لکنهو و کجرات هندوستان ، قان ، بلوچ پاکستان ، قوچان ، همدان ، زنجان ، کرمان ، تهران ، اصفهان ، قم ، اراک ، قزوین ، شیراز ، دره صوف پاکستان ، کابل ، غزنین افغانستان ، خراسان ، مازندران ، هامبوئشهر (سده) ، موصل ، بهسود افغانستان ، یزد ، ناین ، قندهار ، گلپایگان ، خمین ، بصره ، بامیان افغانستان ، پشاور پاکستان ، سلطانیور هندوستان ، فیض آباد هندوستان .
در زیر در نمونه از تلگرافات را درج میکنیم :
باستخوان پوسیده سلاطین سفاک و خونخوار نالیله شکم گرسنه بیچارگان و درمادگانرا سیر کنید .
روحانیون بلوچ پاکستان
برخساز رنگ پریده و بدنهای ضعیف کودکان فارس و سیستان و قاننات رحم نموده در برابرشان برای ستمکاران جشن بگیرید .
روحانیون قان

برای رهائی زندانیان سیاسی از زندانهای شاه متحداً مبارزه کنیم

اخبار

جاسوسان امریکا و اسرائیل در ایران

تقریب هزار نفر از جاسوسان سی. آی. ا. (سازمان جاسوسی امریکا) و اسرائیل برای سرکوبی هسته های مبارز و مسلح و تدارک جشن سلاطین ایران آمده اند. بسختی میتوان دلیلی گویا تر مبنی بر شکست سازمانهای امنیتی ایران در مقابله با آزادخواهان یافت. امپریالیست ها برای هزارمین بار حفاقت تاریخی خود را ثابت میکنند و تصور مینمایند کاری را که دست نشاندهگان بومی آنها نتوانسته اند انجام دهند خود خواهند توانست بانجام برسانند. تجربه باز هم خلاف این را نشان خواهد داد.

رئیس سازمان جاسوس امریکا در ایران

همین، رئیس سی آی ا. پس از یک مسافرت چند روزه باسراژیل بطور مخفیانه بایران وارد شد. لزوم طرح توطئه های جدید برای سرکوبی نیروهای مترقی خاور میانه، امریکا را وادار ساخته است که بر خلاف سنت بالاترین مقام جاسوسی خود را به دو پایگاه خود در خاور میانه، اسرائیل و ایران، اعزام دارد.

جنگ چریکی شهری

در مطبوعات سه فاره از ایران بعنوان یکی از سه کشور نمونه ای که جنگ چریکی شهری در آن در حال اعتلاء است نام برده شده است. ما مطمئن هستیم که ادامه و توسعه عملیات چریکی شهری شرایط لازم را برای توسعه کار هسته های انقلابی موجود فراهم خواهد کرد. تشدید تضادها و امید و جرانی که مردم در مبارزه بدست آورده اند، درک پوشالی بودن رژیم و جرات و هیجانی که مردم پیدا کرده اند امروزه برای همه قابل رویت است.

قتل

اخیرا در ایران شایع است که آقای ناصری که بهنگام بخش اعلامیه آیتاله خمینی در عربستان سعودی دستگیر شده و به ایران فرستاده شده بود بقتل رسیده است. امینواریم در شماره آرنده خبر موثق تری در اختیاری خوانندگان قراردهیم.

کودتا در ایران

برکناری ارتشبد فریدون جم از ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران و برگماری ارتشبد ازهراری بدین سمت، بازداشت شانزده افسر منجمله سپهبد ضرامعی، سپهبد نویسی، سرلشکر همایونی، سرتیپ پاوند و عدهای غیر نظامی باتهام تهیه مقدمات کودتا حاکی از تشدید تضاد موجود در هیئت حاکمه ایران است. سازمان جاسوسی اسرائیل در کشف این شبکه نقش عمده ای داشته است.

تشدید مبارزات خلق و بی سروسامانی وضع داخلی کشور موجب ظاهر شدن تضادهای موجود در بین گردانندگان رژیم که همه ماهیتا ارتجاعی هستند گردیده است.

غرق شدن ایرانیان در خلیج فارس

درروز چهارشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۵۰ کشتی حامل پانصد نفر کارگر ایرانی که بطور قانچان برای پیدا کردن کار عازم کویت بودند هنگام متلاطم شدن دریا غرق میشود. چهار صد نفر از کارگران دراین حادثه جان خود را از دست میدهند و فقط صد نفر موفق میشوند خسود را نجات داده بکویت برسانند که بلا فاصله توسط حکومت کویت بازداشت میگرددند.

شدت بیکاری و نابسامانی مردم در ایران بحدی است که زحمتکشان مهین ما حاضرند برای تأمین معاش خود را در معرض خطرات مختلف قرار دهند. در این حال حکومت فاشیستی شاه ادعا میکند که ایران «بهشت برین» شده و چند صد میلیون دلار صرف مخارج جشن ضد خلقی میکند. خلق ما انتقام خون این قربانیان را از شاه جنایتکار خواهند گرفت.

توجه
جزوه «پاره ای از اسرار سازمان امنیت» اخیرا از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور منتشر شد.

قحطی
قحطی مناطق سیستان و کرمان وارد مراحل بحرانی شده است. عده ای از مردم محروم در نواحی بیستان و بلوچستان برای بدست آوردن تکه نانی دختران خود را بعرض فروش گذارده اند. و عده ای دلالت نیز این دختران تیره بخت را خریده و در شهرستانهای دیگر برای استفاده نامشروع میفرشند. در دو هفته گذشته دو گروه از این دختران تیره بخت از زابل و قانات به تربت حیدریه آورده شده و هر یک در برابر ۱۵۰ تومان بفروش رسیده اند. این وضع کشوری است که دیکتاتور مجنون آن مشغول خرج صد ها میلیون تومان پول همین مردم رنجبر برای ارضاهوس های پلید خود و برپا داشتن یک ضیافت بین المللی با شرکت انحصاری رذل ترین و مرتجعترین عناصر جهان است.

در زندانهای شاه
آقایان داود دستمالچی و جواهری محصلین حوزه علمیه قم و آقای صلواتی دبیر دبیرستانهای اصفهان بجرم بخش اعلامیه پشتیبانی از چریکهای شهری دستگیر شدند. از سرنوشت آنان اطلاع بیشتری در دست نیست.

آقایان عندلیب و جواد که خیر دستگیری ایشان قبلا منتشر شده بود اخیرا در یک دادگاه فرمایشی به سه سال زندان محکوم شده اند. بدنبال دعوت آیت اله خمینی در مقاومت برگزاری جشن سلاطین، آقای هاشمی نژاد خطابه ای در مشهد ایراد می کنند. ایشان بلا فاصله توسط مامورین سازمان امنیت دستگیر و زندانی میشوند.

در رابطه با گروه سباهک
دستگیری خانم شهین کریمی و شکنجه های شدیدگی که سازمان امنیت نسبت به خانم مهین جزینی و پویان (خواهر امیر پرویز پویان) اعمال کرده پیش از آنچه که جنایت رژیم شاه را ثابت کند بشارت گوی دوران جدیدی از مبارزات است که زنان ایران قهرمانانه به میدان مبارزه آمده اند و حقوق خود و هوطنان خود را با توسل به قهر انقلابی کسب خواهند کرد. قهرمانیهای این مبارزین نمونه های بارزی از اعتلای سطح جنبش در میهن ما میباشد.

مبارزات چریکی در بنگال

مبارزات پارتیزانی در پاکستان شرقی ابعاد تازه ای یافته است. مردم بنگال که علاوه بر استثمار امپریالیسم و ارتجاع تحت ستم ملی قرار دارند مصممانه اسلحه بدست علیه نیروهای متجاوز یحیی خان نبرد میکنند. محتوی این نبرد ملی و توده ای بتدریج مترقی تر خواهد شد و مردم بنگال بطور روز افزونی مبارزه خود را، همانطور که حوادث چند هفته اخیر نشان داده است، متوجه ارتجاع داخلی و امپریالیسم خواهند نمود. قشون یحیی خان با همه سفاکی ها و جنایاتش در مقابل اراده ۸۰ میلیون انسان یاری مقاومت نخواهد داشت.

کودتا در مراکش و سودان

کودتای بی فرجام علیه سلطان حسن مرتجع در مراکش و کودتا و ضد کودتای سودان و جنایات سلطان حسن و قحطی نیری علیه مردم این دو کشور و بالاتر از همه کشتار فدائیان بدست ملک حسن در اردن نیروهای انقلابی این مناطق را بیش از پیش در فشار گزارده است. این تشیب ها در هر جنبشی نه تنها طبیعی است بلکه استفاده از تجربیات و درس های شکست ها میتواند عامل مفیدی در تکامل و ترقی سطح جنبش گردد. ما ایمان داریم که توطئه های امپریالیسم و ارتجاع در برابر اراده انقلابی خلق عرب منجر به شکست خواهند شد و پیروزی نهائی از آن خلق عرب خواهد بود.

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon
فصلی بانکی
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13396
بهاء
ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ قروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۵ قروش

در باره روابط خارجی چین
نهضت وارد مرحله جدیدی از رشد خود شده است. مبارزه مسلحانه بعنوان شیوه اصلی مبارزه مورد تیر مردم ایران قرار گرفته است. امپریالیسم و ارتجاع فشار خود را صد چندان کرده اند. پس از سالها سکوت شکسته و مردم قهرمانانه جانبازی میکنند دولت عده کثیری از وطن پرستان مبارز را بجز کمونیست بودن یا مترقی بودن بچوبه اعدام بسته و بیشمار دیگری را به شکنجه گاههای قرون وسطا فرستاده است.

در چنین وضع بحرانی کوچکترین نزدیکی بحکومت کوچکترین اقدامی که منجر به تقویت، تثبیت و یا کسب ابرو و پرستیژ برای رژیم او بشود باعث تشد خفگان و گستاخ تر شدن آنها در سرکوبی مبارز میشود و در این حال اگر نحوه برقراری مناسبات نیز که با دعوت یکی از کثیف ترین عناصر یعنی اثر پهلوی به یکن شروع شد در نظر بگیریم به علت تاسد فراوان آزادخواهان ایران بی خواهیم برد. در این کاشی نیست که به تبلیغات شاه و میل او بکسب اثر توجه کنیم و آنرا مردود بدانیم. وسیله کسب اثر در اختیار رژیم او گزاردن و منفورترین عناصر یاب جامعه را که حتی مقام رسمی در حکومت ندارد و قبل واقعیست در خود فروشی و سرکردگی باند مرتجعین قاچاقچیان است مورد تجلیل قرار دادن و بستادن برادر او «شاهنشاه ایران» جام زدن نه تنها مبر تائید ما نیست، نه تنها مورد موافقت ما نیست بل انرا اشتباهی بزرگ میدانیم. در این رابطه اگر مردم چین را در قبال او بک و نقش شاه در نظر بگیریم متوجه میشویم که مساله از حالت صرفا و منحصرأ یک اشتباه خارج میشود. نقش شاه نوکر مارکسدار امپریالیست گرداننده سیاست سازشکارانه او بک را «ضد امپریالیستی» خواندن و «رهبری» او را ستودن مسئله ای نیست که بتوان آنرا تا دیده گرفت و ب بسهولت از روی آن رد شد. آیا چین فقط دچار اشتباه در این مورد شده است؟ یا اینکه نقش شاه ضد امپریالیستی بوده است؟ آیا چین با علم به نقش خائنانه شاه بخاطر ایجاد روابط دیپلماتیک با شاه حاضر به دادن چنین حکمی شده است؟ یا اینکه این بیان یک تحلیل ناصحیح از واقعیت شرایط ایران است چشمه میگردد؟

ما این نظر را در گذشته شنیده ایم و اکنون نیز شواهد انرا می بینیم که به شاه بعنوان نماینده بورژوازی ایران و یک ناسیونالیست که با امپریالیسم مت است نگاه شود. در چنین نظر ای این نکته مستتر است که بین او و امپریالیسم، لاقول بالقوه، تضادی موج است که میتواند از آن استفاده کرد و با دادن امتیازها مواضع او را تصحیح کرد یا از وابستگی او بامپریالیست کاست. این نظر سراپا نادرست است. شاه متضد امپریالیسم نیست. نوکر امپریالیسم است. ج خوار و نماینده آنان است. سک پاسبان آنهاست تمام وجود او و رژیم او وابسته بامپریالیسم است. چنانکایک ایران نیست. صد بار از چنانکایک مرتج تر و کثیف تر است. اگر میشد برای مدت محدود از تضاد چنانکایک و امپریالیسم زاین استفاده کرد این مسئله را عینا بجامه ایران و شاه انتقال دادن خطا محض است. امپریالیسم میتواند شاه را یک شبه عوی کند و مرتجع دیگری را بجای او بنشاند. این حقیقه را شاه بخوبی میداند و ما نیز باید او را آنطور که هست نه آنطور که نیست بشناسیم.

بنا بر این زمان و نحوه تدارک مناسبات بین ایران و چین و نیز بیانات و اقدامات چونن لای نماینده جمهور توده ای چین در این زمینهها ابدا مورد توافق ما نیست و خود را از ابراز تاسف ناگزیر می بینیم. همچنین، صحت پاره ای از اقدامات دیگر تردید کلی داریم. آن جمله اند موضع چین در قبال انقلاب سیلان، شور و باکستان و تقویت یحیی خان، اینها و چند اقدام دیگر برای هر فرد آزاده ای که بچین بعنوان بزرگترین کشور مترقی جهان میگرد تاسف آور است. ما انظو معتقدیم که کسانی که بخاطر این اقدامات به چین دورا دید ناسیونالیستی میزنند عجولانه و بر مبنای شوا نا کافی تضاد میکنند و امیدواریم که حوادث آت نشان دهند که تضاد این عناصر تا صحیح نیست و نیروهای مترقی جهان میتوانند کماکان ۷۰۰ ملی خلق چین را در کنار خود داشته باشند.

پایان

پیروز باد انقلاب دمکراتیک ملی